

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

مهر تکفیر

بنده یک شاعر بی نام و نشان
که نه وبسیت و نه میسیت مر است
نه کتابی و نه ، مجموعه شعر
که فرستم به شما ، آنچه سزاست
صادق و ساده و صافم به خدا
که ز **تزویر** ، مرا راه جد است
نه **لباسش** به تن خود کردم
نه ، گذارم که به جان رفقا است
آن **لباسیست** ، پُر از **ریب و ریا**
در خور و شان همه **شیخ دغا است**
نه به اندام و ، تن ما زیبد
نه سزاوار قد سرو شما است
نقدکی نرم ، رقم میدارم
کمکی گرم و به دلها چو دوا است
کار و باری به کسی نیست مرا
جز کسانیکه روان ، **راه خطاست**
هموطن ، دربدر و ، آواره
زانکه **بدبختی** ز ، **جهل علماست**
علما بسکه **سیاسی** شده اند

کئل سیاست به **بغل جیبِ ملاست**
 بسکه از **دین** ، **تجارت** کردند
دین بیچاره، کنون **پا به هواست**
 نقدی انشا شدی از خامه من
 همه گفتند که چون است و چراست
 میتوانی به همه بنویسی
 گر به (**ارشاد**) نویسی نه روانست
 زانکه (**ارشاد**) ، شهادت دادی
 ورنه میدیدی که گردش به هواست
 همگی **گنگه و کورند** و ، **کر اند**
خفه کردند ، **صدایم** به **گلو**
مهر تکفیر، **خوشا** ، **فخر** و **سزاست**
 کمکی حاشیه رفتم ، به خدا
 دل بی پیر مرا ، دست سخاست
 آدرس شخصی من ، خواهی اگر
 بنویسش ، به تو گویم که کجاست
 عشق ، شهر است و محبت ، وطنم
 کوچه دل ، و خیابان وفاست
 گر خواهی که بخوانی اثرم
افگ ، **آزاد** ، **دت** و **کام** ، نماست
 میتوانی که دهی نمره من
 به دل هر که اگر جای بماست
صفر و صفر و چل و نه ، **دو صد و یک**
پنج و سه ، **هشت** (**شش** و **سه**) ، **هشت** بجاست
 بیش ازین نیست ز « نعمت » سخنی
 اُدُنّ واعیه امروز که راست